

انس امام حسن علیه السلام با قرآن

حجت الاسلام والمسلمین علی خادمی *

مقدمه

ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن و تولد امام حسن مجتبی علیه السلام است. این دو جلوه‌ای زیبا از پیوند ناگسستنی قرآن و عترت را ترسیم می‌کند. در سخنی از امام مجتبی علیه السلام ضمن تأکید بر نقش تکمیلی این دو میراث گران بها، اهل بیت علیهم السلام تنها مفسران واقعی قرآن معرفی شده‌اند. امام حسن علیه السلام بعد از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام و بیعت مردم با ایشان، در خطبه‌ای بسیار مهم به مردم فرمود: «ما حزب پیروز خداییم. نزدیک‌ترین خاندان پیامبریم. اهل بیت پاکیزه و پاک اویسیم و یکی از دو چیز گران‌سنگی هستیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله در امت خود به یادگار نهاد و دومی آن، کتاب خداست که در آن، بیان هر چیزی است که هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید. در تفسیر آن، ما اهل بیت مورد اعتماد هستیم و ما نیز از روی حدس و گمان آن را تفسیر نمی‌کنیم؛ بلکه از روی یقین، حقایق آن را بیان می‌کنیم».^۱ نوشتار پیش‌رو قصد دارد انس قرآن ناطق با قرآن صامت را در ضمن شش محور، تبیین و بررسی نماید.

الف. معرفی قرآن

یکی از نشانه‌های انس امام حسن علیه السلام با قرآن، تلاش گسترده ایشان برای معرفی قرآن است؛ چنان‌که فرموده است: «به درستی که در این قرآن، چراغ‌های روشنایی بخش و شفای سینه‌هاست. پس جلادهنده باید به نور آن، وجود خود را جلا بدهد و اوصاف قرآن را به دلش پیوند بزند؛ زیرا اندیشیدن در قرآن، مایه حیات دل شخص با بصیرت است؛ همچنان‌که آدمی در تاریکی‌ها با کمک نور راه خود را می‌پیماید».^۲

* دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

۱. محمد بن محمد مفید؛ الامالی؛ ص ۳۴۹.

۲. علی بن عیسی اربلی؛ کشف الغمه؛ ج ۱، ص ۵۷۳.

تعبیر منبع نور برای قرآن، بهترین تعبیری است که می‌تواند ماهیت و حقیقت این کتاب الهی را نمایان کند. همین نورانیت بود که توانست غرق‌شدگان زیادی را از دریای ظلمت و پوچی نجات دهد. عثمان بن مظعون، یکی از این افراد بود. این صحابی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ابتدا صورت ظاهری اسلام را پذیرفته بود، ولی ایمان قلبی و واقعی نیاورده بود. او می‌گوید:

من در ابتدا اسلام را فقط به صورت ظاهری پذیرفته بودم، نه با قلب و جان؛ زیرا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره مرا به دین اسلام دعوت می‌کرد و من هم از روی شرم و حیا پذیرفتم. روزی در خدمت آن حضرت بودم که متوجه شدم ایشان سخت در فکر فرو رفته است و ناگهان چشم خود را به آسمان دوخت. وقتی به حالت عادی برگشت، ماجرا را پرسیدم. ایشان فرمود: هنگامی که با شما سخن می‌گفتم، این آیه بر من نازل شد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^۱ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند. خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید». با شنیدن این آیه، انقلاب بزرگی در من به وجود آمد و ایمان واقعی به اسلام در دلم نشست و با عمق وجودم به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علاقمند شدم.^۲

این انقلاب سبب رشد فوق‌العاده معنوی او شد؛ به‌گونه‌ای که یکی از یاران صمیمی امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام شد و آن حضرت به سبب این رفاقت و دوستی نام یکی از فرزندان را عثمان نهاد که در کربلا به شهادت رسید.^۳

ب. قرائت قرآن

امام مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام، بسیار قرآن می‌خواند و همواره دیگران را نیز به آن تشویق می‌کرد. در نقلی آمده است وقتی به بستر خواب می‌رفت، سوره کهف را می‌خواند.^۴ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره ادب در قرائت قرآن و توجه ویژه امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام به معانی و مفاهیم قرآنی فرموده است: «وَكَانَ لَا يَقْرَأُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا قَالَ لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ»^۵ همیشه این‌گونه بود که هیچ

۱. نحل: ۹۰.

۲. عبدالرحمن بن محمد ابن ابی حاتم؛ تفسیر القرآن العظیم؛ ج ۷، ص ۲۲۹۸.

۳. محمد بن جعفر ابن مشهدی؛ المزار الکبیر؛ ص ۴۸۹.

۴. سید نورالله حسینی شوشتری؛ إحقاق الحق؛ ج ۱۱، ص ۱۱۴.

۵. محمد بن علی صدوق؛ الامالی؛ ص ۱۷۹.

آیه‌ای را که «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» دارد، تلاوت نمی‌کردند؛ مگر اینکه می‌گفت: لبیک، لبیک».

همچنین نقل است در دوران شش ماهه خلافت، روزی امام علیه السلام در یکی از خطبه‌های نماز جمعه سوره ابراهیم را به صورت کامل بر روی منبر قرائت نمود.^۱ این شواهد تاریخی گویای آن است که قرائت قرآن، یکی از برنامه‌های جدی آن حضرت بود. امام علیه السلام از سویی برای تشویق دیگران به قرائت قرآن تلاش می‌کرد و از سوی دیگر با بیان آثار و برکات آن، زمینه گرایش مردم به انس با قرآن را فراهم می‌نمود؛ چنان‌که فرموده است: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ كَانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُجَابَةٌ إِذَا مُعْجَلَةٌ وَإِذَا مُؤَجَّلَةٌ؛^۲ هر کس قرآن بخواند، یک دعای مستجاب دارد؛ زود یا دیر». در سخن دیگری از حضرت آمده است: «مَنْ قَرَأَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْحَشْرِ إِذَا أَضِيحَ فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ ذَلِكَ طَبِيعَ بَطَائِعِ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ قَرَأَ إِذَا أَمْسَى فَمَاتَ فِي لَيْلَتِهِ طَبِيعَ بَطَائِعِ الشُّهَدَاءِ؛^۳ کسی که هنگام صبح سه آیه آخر سوره حشر را بخواند و در آن روز بمیرد، مَهر شهدا خواهد خورد و چون شب شود و بخواند و بمیرد، نیز ممهور به مهر شهدا می‌شود».

ج. کتابت قرآن

یکی از قرآن‌های خطی که در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، قرآنی خطی منسوب به امام حسن مجتبی علیه السلام است. این نسخه که با امضای شیخ بهایی رحمته الله وقف شده است، شامل سه جزء قرآن با خط کوفی است و تاریخ کتابت آن به سال ۴۱ هجری باز می‌گردد. این نوع ارتباط با قرآن نیز حاکی از انس و الفت امام علیه السلام با آن کتاب آسمانی دارد. کتابت قرآن از سه زاویه دارای اهمیت است:

۱. نشان از علم و دانش دارد و بقای دانش و انتقالش به آیندگان، در گرو آن است. از همین رو بود که در جنگ بدر که عده‌ای از قریش به اسارت مسلمانان درآمده بودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرط آزادی برخی از آنها را تعلیم خط و کتابت هر یک از آنان به ده نفر از مسلمانان قرار داده بود.^۴
۲. راهی برای عشق‌ورزی با صاحب قرآن، یعنی خدای متعال است. چه اینکه عاشق سعی می‌کند به هر بهانه‌ای با معشوق خود ارتباط برقرار کند.

۱. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر؛ البداية و النهاية؛ ج ۸، ص ۱۹.

۲. سعید بن هبة‌الله قطب‌الدین راوندی؛ الدعوات؛ ص ۲۴.

۳. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۸۹، ص ۳۱۰.

۴. محمد بن سعد بغدادی؛ الطبقات الكبرى؛ ج ۲، ص ۱۶.

۳. کتابت قرآن به طور طبیعی سبب تأمل و اندیشه در محتوای آن نیز می‌شود و جنبه تربیتی مهمی را در بر دارد.

د. استشهاد به قرآن

انس و علاقه امام حسن علیه السلام به قرآن تا آنجا بود که همواره در سخنان مهم‌اش از آیات قرآنی استفاده می‌کرد؛ چنان‌که در یک سخنرانی کوتاه درباره اهمیت تقوا و نقش آن در نجات بخشی انسان به چهار آیه قرآن استناد کرده است:

خداوند شما را به تقوا سفارش کرد و آن را نهایت خشنودی خود قرار داد که تقوا، درب هر توبه و سرآمد هر حکمت و شرف هر کاری است. به سبب تقوا، پارسایان رستگار شدند. خداوند متعال فرمود: «به درستی که برای پرهیزکاران، رستگاری است».^۱ همچنین فرمود: «و خدا کسانی را که پارسایی کنند، به کارهایی که مایه رستگاری آنهاست، نجات می‌دهد؛ به آنان بدی نمی‌رسد و غمگین نمی‌شوند».^۲ پس ای بندگان خدا! از خدا پیروی کنید و بدانید هر که از خدا پروا کند، خداوند نیز راهی برای بیرون رفتن از فتنه‌ها به رویش می‌گشاید^۳ و در کارش درستی می‌بخشد و هدایتش را فراهم کرده و حجت او را پیروز کند و روسفیدش خواهد ساخت.

امام حسن علیه السلام در رابطه با الگوگیری مردم از اهل بیت علیهم السلام در همه زمان‌ها نیز به آیه‌ای از قرآن استشهاد نمود که پس از ذکر نام چند پیامبر بزرگ الهی، دستور پیروی از آنان می‌دهد:

فَاقْتَبُوا آثارَهُمْ رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَ اقْتَدُوا بِهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَصَفَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صِفَةَ آبَائِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ ذُرِّيَّتَهُمَا وَ قَالَ: «فَبِهْدَاهُمْ أَقْتَدِهِ» وَ اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّكُمْ مَا خُودُونَ بِالْأَقْتِدَاءِ بِهِمْ وَ الْإِتِّبَاعِ لَهُمْ فَجِدُّوا وَ اجْتَهِدُوا؛^۴ پس شما به شیوه آنان عمل کنید - خداوند شما را بیامرزد - و به ایشان اقتدا نمایید؛ زیرا خداوند برای پیامبرش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اوصاف پدرانش ابراهیم و اسماعیل و فرزندان‌شان را توصیف کرده و فرموده است: «به راه هدایت‌شان اقتدا کن» و بدانید که بر شما لازم شده که به راه‌شان اقتدا کنید، پس در این راه کوشش نمایید.

راه پیروزی در زندگی، صبر و بردباری است. امام علیه السلام پس از آگاهی از حرکت لشکر معاویه برای

۱. نبأ: ۳۲.

۲. زمر: ۶۱.

۳. طلاق: ۲.

۴. حسن بن محمد دیلمی؛ ارشاد القلوب؛ ج ۱، ص ۷۶.

جنگ، خطبه‌ای کوتاه ایراد نمود و با استناد به آیه‌ای از قرآن، مردم را به صبر و بردباری دعوت کرد و فرمود: «به راستی خداوند جهاد را بر بندگان خود واجب فرمود و آن را ناگوار نامید. سپس به مؤمنان مجاهد فرمود: صبر پیشه کنید که خدا با صابران است. ای مردم! به آنچه دوست دارید، نمی‌رسید؛ مگر با صبر بر آنچه ناگوار است».^۱

هـ. تفسیر قرآن

امام حسن مجتبی علیه السلام همواره خطر تحریف معنوی قرآن توسط مفسران دروغین را گوشزد می‌کرد و مردم را به سوی مفسران واقعی، یعنی اهل بیت علیهم السلام سوق می‌داد. مثلاً در سخنانی مهم فرمودند:

تا آنانی که قرآن را پشت سر انداختند، شناسید؛ نمی‌توانید به پیمان قرآن چنگ بزنید و تا تحریف‌کنندگان قرآن را شناسید، آن را چنان‌که حق تلاوت آن باشد، نخواهید خواند. پس وقتی اینها را شناختید، بدعت‌ها و پیرایه‌ها را نیز خواهید شناخت و افتراهایی را که بر خدا می‌بندند و تحریف را خواهد دید و می‌فهمید آنکه سقوط کرد، چگونه سقوط نمود. مبادا افراد نادان شما را به وادی جهل و نادانی بکشند. پس [فهم] آن را از اهلش بخواهید؛ زیرا تنها آنانند نوری که از پرتوشان روشنایی جویند و امامانی که از آنان پیروی شود.^۲

تفسیر چپستی و کیستی شجره ملعونه‌ای که قرآن مجید از آن نام می‌برد، تنها از عهده اهل بیت علیهم السلام بر می‌آید. امام حسن علیه السلام در روایتی بنی‌امیه از جمله مروانین را مصداق آن دانسته است. نقل است مروان بن حکم سخنان ناشایستی را در مجلس معاویه علیه امام حسن علیه السلام به زبان آورد. امام علیه السلام فرمود:

ای مروان! سپاس خدایی را که با این تهدید تو، جز بر طغیان تو نیفزاید؛ همان‌طور که خدا فرمود: «وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآنِ وَ نَحْوُفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا»^۳ همچنین شجره ملعونه [درخت نفرین شده] را که در قرآن ذکر کرده‌ایم. ما آنها را بیم داده (و انذار) می‌کنیم، اما جز طغیان عظیم، چیزی بر آنها نمی‌افزاید». ای مروان! تو و فرزندان همان درخت لعنت شده در قرآن هستید. این را رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل، از

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۱۶، ص ۳۸.

۲. حسن بن عی بن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۲۷.

۳. اسراء: ۶۰.

خداوند متعال نقل کرده است.^۱

علامه طباطبائی^۲ پس از بحثی دقیق درباره مراد از شجره ملعونه، آن را به بنی‌امیه تفسیر نموده^۲ و گفته است که لازم نیست این معنا را به بطن آیه نسبت بدهیم؛ بلکه تفسیر ظاهری و اصلی آیه، بنی‌امیه است.^۳

ابن صباغ مالکی، یکی از علمای قرن نهم اهل تسنن نقل می‌کند:

مردی وارد مسجد رسول خدا^ﷺ شد و دید شخصی مشغول نقل حدیث از پیامبر^ﷺ است و مردم دورش را گرفته و به سخنانش گوش می‌دهند. نزد وی رفت و پرسید: «مراد از شاهد و مشهود در آیه "و شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ"؛ سوگند به بیننده و دیده شده چیست؟». او پاسخ داد: «اما شاهد، روز جمعه است و مشهود نیز روز عرفه است». او از آنجا برخاست و به شخص دیگری رسید که همانند اولی، به نقل حدیث مشغول بود. سؤال خود را از وی نیز پرسید و این‌گونه پاسخ شنید: «منظور از شاهد، روز جمعه است و مشهود، روز عید قربان است». آن‌گاه متوجه نوجوانی شد که در گوشه‌ای دیگر از مسجد، کلاس درس تشکیل داده بود. جلو رفت و از او که چهره‌اش مانند طلا می‌درخشید، درباره شاهد و مشهود پرسید. نوجوان گفت: «شاهد، حضرت محمد^ﷺ و مشهود، روز قیامت است». آن‌گاه برای تفسیر خود، دو آیه^۴ از قرآن را مطرح نمود که شاهد و مشهود را به پیامبر^ﷺ و قیامت تفسیر نموده است. آن شخص می‌گوید: «از نام شخص اول پرسیدم، گفتند: ابن عباس است. نام دومی را جو یا شدم، گفتند: ابن عمر است. درباره شخص سوم گفتند: حسن بن علی بن ابیطالب[ؑ] است».^۶

و. عمل به قرآن

امام مجتبی[ؑ] نه تنها با زبان، بلکه با عمل و رفتار خود نیز ترویج‌کننده قرآن صامت بود و به

۱. احمد بن علی طبرسی؛ الاحتجاج علی اهل اللجاج؛ ج ۱، ص ۲۷۹.

۲. سید محمدحسین طباطبائی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۳، ص ۱۴۰.

۳. همان، ص ۱۴۹.

۴. بروج: ۳.

۵. احزاب: ۴۵: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَتَذِيرًا؛ ای پیامبر، ما تو را به عنوان شاهد و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم». هود: ۱۰۳: «ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ؛ قیامت روزی است که همه مردم برای آن جمع می‌شوند و آن روز، روزی مشهود است».

۶. علی بن محمد ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۷۰۲.

دیگران نیز گوشزد می نمود که نزدیک ترین انسان ها به قرآن، عامل به آن کتاب الهی است:

مَا بَقِيَ فِي الدُّنْيَا بَقِيَّةٌ غَيْرَ هَذَا الْقُرْآنِ فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا يَدُلُّكُمْ عَلَى هُدَاكُمْ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْقُرْآنِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَإِنْ لَمْ يَحْفَظْهُ وَأَبْعَدَهُمْ مِنْهُ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَإِنْ كَانَ يَقْرَأُ؛^۱ در دنیا غیر از این قرآن، چیزی نمانده است. پس آن را امام خود قرار دهید تا شما را به هدایت راهنمایی کند. سزاوارترین مردم به قرآن، کسی است که به آن عمل کند؛ هر چند آن را حفظ نکرده باشد و دورترین فرد از قرآن، کسی است که به آن عمل نکند؛ هر چند آن را بخواند.

انس بن مالک درباره رفتار قرآنی امام حسن مجتبی علیه السلام نقل می کند:

روزی کنیزی شاخه گلی برای امام حسن علیه السلام هدیه آورد. امام علیه السلام به او فرمود: «تو در راه خدا آزاد هستی». به آن حضرت عرض کردم: «برای یک شاخه گل، او را آزاد نمودی؟!». حضرت فرمود: «خداوند متعال ما را چنین تربیت نموده؛ آنجا که می فرماید: "وَإِذَا حَبِيتُمْ بِبَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا..."^۲ هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید" و نیکوتر از هدیه او، آزادی او در راه خدا بود.^۳

همچنین نقل است یکی از خدمتکاران امام علیه السلام مرتکب گناهی شد که سزاوار مجازات بود، ولی آن غلام زیرک و باهوش که از روحیه لطیف امام علیه السلام و انس حضرت با قرآن آگاه بود؛ این آیه را برای حضرت خواند: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ»^۴ و از خطای مردم در می گذرند». امام علیه السلام بلافاصله فرمود: «از خطای تو گذشتم». آن غلام سپس ادامه آیه را خواند که خداوند از مؤمنان می خواهد به دیگران احسان کنند: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد». حضرت فرمود: «تو در راه خدا آزاد هستی و دو برابر دستمزدی که به تو می دادم، به تو می بخشم».^۵

فهرست منابع

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ تفسیر القرآن العظیم؛ تحقیق اسعد محمد طیب؛ چاپ سوم، ریاض: مکتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن ابی الحدید؛ عبدالحمید بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغه؛ تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم؛

۱. حسن بن محمد دیلمی؛ ارشاد القلوب؛ ج ۱، ص ۷۹.

۲. نساء: ۸۶.

۳. محمد بن علی ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ ج ۴، ص ۱۸.

۴. سوره آل عمران، ۱۳۴.

۵. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۳، ص ۳۵۲.

- چاپ اول، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علي؛ مناقب آل أبي طالب عليه السلام؛ چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۴. ابن شعبه حراني، حسن بن علي؛ تحف العقول؛ تصحيح علي اكبر غفاري؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن صباغ ماكلی، علي بن محمد؛ الفصول المهمة؛ چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۹ ش.
۶. ابن كثير، اسماعيل بن محمد؛ البداية و النهاية؛ تحقيق علي شيري؛ بيروت: دار احياء التراث العربي، [بی تا].
۷. ابن مشهدی، محمد بن جعفر؛ المزار الكبير؛ تحقيق جواد قومي اصفهانی؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۷۸ ق.
۸. بغدادی، محمد بن سعد؛ الطبقات الكبرى؛ چاپ اول، بيروت: دار الكتب الاسلاميه، [بی تا].
۹. اربلی، علي بن عيسى؛ كشف الغمه؛ تصحيح سيد هاشم رسولي محلاتی؛ چاپ اول، تبریز: بني هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۱۰. دیلمی، حسن بن محمد؛ ارشاد القلوب؛ چاپ اول، قم: شريف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. محمد بن محمد مفید؛ الامالی؛ تصحيح حسين استادولي و علي كبر غفاري؛ چاپ اول، قم) كنگره شيخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. حسینی شوشتری، سيد نورالله؛ إحقاق الحق؛ قم: كتابخانه عمومي حضرت آيت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. صدوق، محمد بن علي؛ الامالی؛ چاپ ششم، تهران: كتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۴. طباطبایی، سيد محمد حسين؛ الميزان في تفسير القرآن؛ چاپ دوم، بيروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۱۵. طبرسی، احمد بن علي؛ الأحتجاج على اهل اللجاج؛ تصحيح محمدباقر خراسان؛ چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. قطب الدين راوندي، سعيد بن هبة لله؛ الدعوات؛ چاپ اول، قم: انتشارات مدرسه امام مهدي عليه السلام، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ جمعی از محققان؛ چاپ دوم، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.